

اقدامات قاجارها در برقراری امنیت اجتماعی شهرها

جهانبخش شواقب*

سودابه معظمی گودرزی**

چکیده

برقراری امنیت اجتماعی به دست نظام‌های سیاسی موجب آرامش روانی، رضایت‌مندی، و مطلوبیت زندگی مردم و تداوم قدرت و حیات سیاسی زمامداران می‌شود. زمامداران با جلوگیری از چالش‌های ضد امنیتی، به شیوه‌های گوناگون، امنیت حوزه حاکمیتی خود را تأمین می‌کردند. حکومت قاجار نیز با عوامل برهم‌زننده نظم و امنیت روبه‌رو بود که موجودیت آن را به چالش می‌کشید و باید در برابر این بحران‌ها اقداماتی انجام دهند تا حاکمیت خویش را تداوم بخشند. اما، تدابیر به دلیل گستردگی قلمرو، ساختار سیاسی، کانون‌های بحران داخلی و پیچیدگی اوضاع بر اثر حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای، از عهده امنیت پایدار و نهادینه برنیامدند. در این بررسی که از نوع پژوهش تاریخی است بر اساس منابع و به شیوه توصیفی-تحلیلی، برخی از عوامل مؤثر در بروز ناامنی اجتماعی در دوره قاجاریه، از آغاز تا پایان سلطنت ناصرالدین‌شاه بررسی و اقدامات قاجارها برای برقراری امنیت و مقابله با ناامنی تحلیل می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اقدامات تأمینی قاجارها بیش‌تر متکی بر اعزام قشون برای سرکوب شورش‌ها، به‌کارگیری نیروهای امنیتی سنتی، و به کار بستن مجازات‌های خشن نسبت به عوامل انسانی ناامنی بود که به سبب کارساز نبودن و ایجاد نکردن بسترهای تقویت‌کننده امنیت پایدار، پدیده ناامنی اجتماعی امری متداول بود.

کلیدواژه‌ها: قاجاریه، امنیت اجتماعی، مجازات، تأسیسات دفاعی، نیروهای امنیتی.

* دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه لرستان (نویسنده مسئول) jahan_savagheb@yahoo.com

** کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه لرستان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۷/۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۳

۱. مقدمه

یکی از دغدغه‌های مهم نظام حکومتی قاجاریه چگونگی برقراری امنیت و حفظ آن بود؛ زیرا شکنندگی و ناپایداری امنیت عمومی بر حیات اجتماعی را به از هم پاشیدگی تهدید می‌کرد. در این دوره بر اثر عوامل گوناگون امنیت کشور شکننده و ناپایدار و ناامنی اجتماعی گریبان‌گیر جامعه بود. از این رو، برقراری امنیت در پایتخت، ایالات، راه‌ها، و مرزها حساسیت زیادی داشت و یکی از چالش‌های عمده نظام قاجاری به شمار می‌رفت. همین ضرورت حکومت قاجار را ناگزیر کرد تدابیری برای مواجهه با ناامنی به کار بندد. هدف اصلی در این مقاله، بررسی و تبیین اقدامات مختلف زمامداران قاجاری برای برقراری و تثبیت امنیت در کشور از آغاز تا پایان سلطنت ناصرالدین‌شاه است. بر این مبنای پرسش مطرح می‌شود که قاجارها در مقابله با ناامنی‌های اجتماعی چه تدابیری را به کار می‌بستند؟ فرضیه پژوهش آن است که اقدامات تأمینی قاجارها زیربنایی برای رفع بسترهای تهدیدکننده امنیت نبود، بلکه واکنش‌های مقابله‌ای با بحران‌ها برای تداوم قدرت سیاسی بود. ساختار نظام سیاسی و دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای از جمله عوامل بسترساز ناامنی اجتماعی در این دوره بوده‌اند.

این پژوهش از نوع پژوهش‌های تاریخی است و با تکیه بر منابع اصلی تاریخی و سفرنامه‌ای، به روش کتاب‌خانه‌ای و به شیوه توصیفی - تحلیلی سامان یافته است. در خصوص پیشینه تحقیق گفتنی است پژوهش‌هایی که درباره نظمی (سیفی، ۱۳۶۲)، پلیس و پلیس بازار (فلور، ۱۳۶۶)، و داروغه (لمبتون، ۱۳۶۳؛ یوسفی فر و شکرزاده، ۱۳۹۳) انجام شده و پژوهش‌های دیگری که درباره نظام اداری و نهاد قضایی و دادگستری این دوره صورت گرفته، این نهادها و مناصب را از جنبه شکل‌گیری، وظایف، و کارکردها بررسی کرده‌اند. احمدزاده (۱۳۹۳) در مقاله خود بسترهای تحدید و توسعه امنیت اجتماعی در ایران عصر قاجاریه را مطرح و ثواب (۱۳۹۴-۱۳۹۳) نیز علل ناپایداری امنیتی این دوره را بررسی کرده است، اما به اقدامات مصون‌سازی امنیتی قاجارها نپرداخته‌اند. فقط مقاله دیگر ثواب (۱۳۹۴) درباره مجازات‌های عرفی مجرمان در عصر قاجاریه، یکی از اقدامات امنیتی این دوره را پوشش می‌دهد. از این رو، پژوهش حاضر بر اقدامات قاجارها برای مقابله با ناامنی‌های تهدیدگر این دوره تأکید کرده و متمایز از موارد ذکر شده، می‌تواند خلأ موجود در این زمینه را برطرف کند.

۲. عوامل تأثیرگذار در ناامنی اجتماعی

در دوره قاجاریه عوامل گوناگونی بر مؤلفه امنیت تأثیر می‌گذاشت که موجب گستردگی دامنه ناامنی و کاهش ضریب امنیت اجتماعی در کشور می‌شد. این عوامل هم ریشه در ساختار سیاسی نظام قاجاری داشت و هم متغیرهای مداخله‌گر نظیر دخالت کشورهای بیگانه در امور داخلی آن را دامن می‌زد. مراد از امنیت اجتماعی نیز «تأمین حفظ جان، مال و شئون» همه شهروندان و جلوگیری از «آسیب‌های اجتماعی از طریق برقراری نظم و قانون» از سوی دولت‌ها و نهادهای رسمی است (احمدزاده، ۱۳۹۳: ۶۶)، به گونه‌ای که مردم از تهدیدهای مختلف شامل حملات خشونت‌آمیز و راهزنی‌ها، قتل و غارت، از دست دادن سلامت جسمانی و آرامش روانی، و نابودی سرمایه و حق مالکیت در امان باشند و احساس خوف و خطر نکنند.

از مجموع آگاهی‌ها در تاریخ قاجاریه می‌توان به فهرستی از عوامل بروز ناامنی در کشور دست یافت که در بی‌ثباتی و شکنندگی اوضاع اجتماعی تأثیر می‌گذاشت، از جمله: ساختار سنتی قبیله‌ای نظام ایالات دوره قاجار، گستردگی قلمرو قاجاریه و دور بودن ایالات از یک‌دیگر، وضعیت نامناسب و ناامن راه‌های طولانی و متعدد بین این ایالات، کشمکش‌ها و درگیری‌های داخلی شاهزادگان قاجاری برای تصاحب تاج و تخت، شورش‌های برخی سرداران و حکام قدرت‌طلب و وابستگان خاندان حکومت‌گر پیشین، تحرکات ضد امنیتی فرصت‌طلبان و یاغیان و گردن‌کشان، وقوع شورش‌های متعدد در ایام سلطنت هر پادشاه، ساختار ناسالم نظام اداری و رواج رشوه و فساد در میان کارگزاران دولت، رفتار خشونت‌آمیز و عملکرد نادرست و شیوه مدیریت حکام و مأموران دولت قاجار، درگیری و جدال حکام ایالات با یک‌دیگر، تجاوز و زورگویی نظامیان، ناکارآمدی نیروهای امنیتی سنتی و ضعف عوامل بازدارنده اقدامات ضد امنیتی، ضعف حکومت ایالتی در جلوگیری یا مجازات راهزنان که موجب ترغیب آنان به حمله می‌شد، روحیه سودجویی و ظلم برخی از مقامات مسئول برقراری امنیت در شهرها، تبانی مأموران امنیتی با دزدان و هم‌کاری برخی از مقامات دولتی و نگهبانان و دیگران با راهزنان و دادن اطلاعات به آنها درباره کاروان‌ها و مسافران، ناتوانی تفنگچیان و سربازانی که وظیفه برقراری امنیت مسافران و کاروانیان و مبارزه با راهزنان را در راه‌ها بر عهده داشتند در انجام وظیفه خود و رو آوردن به کارهای غیرحرفه‌ای برای کسب درآمد، وجود قبایل و عشایر و بافت جمعیتی عشیره‌ای گوناگون و حملات و دست‌بردهای ایالات ترکمن و گُرد و بختیاری و گُر، فقر و تنگ‌دستی و فشار

مالی بر مردم به‌ویژه روستانشینان و عشایر که موجب پیوستن آنان به شورش‌ها می‌شد، ضعف محاکم قضایی و نقص نظام حقوقی، نزاع‌های لوطی‌ها و وجود منازعات فرقه‌ای و کشمکش‌های گروهی در شهرها، سنت بست‌نشینی که به تدریج به ابزاری برای فرار مجرمان از قانون و مجازات و دست زدن به کارهای خودسرانه و ناامنی تبدیل شد، جنگ‌های متعدد در نواحی غربی، قفقاز، شمال شرق و خراسان، جنوب و ... (نظیر دو دوره جنگ‌های ایران و روس، درگیری‌ها با عثمانی، لشکرکشی انگلیسی‌ها به نواحی جنوبی در قضیه هرات دوره محمدشاه و ناصرالدین‌شاه، لشکرکشی‌های دولت مرکزی به خراسان برای درگیری با ترکمن‌ها و دیگر عناصر ناراضی)، حضور قدرت‌های اروپایی و دخالت‌های آن‌ها در امور داخلی و حتی دامن زدن به شورش‌ها و تمایلات جدایی‌خواهانه در میان فرصت‌طلبان و مخالفان نظام قاجاری، نظیر شورش بابیه، محلاتیه، سالاریه و از این قبیل (برای تفصیل این موارد ← ثواب، ۱۳۹۳-۱۳۹۴: ۱۰۹-۱۴۲؛ رجایی، ۱۳۹۳: ۱۰۳-۱۰۴).

۳. اقدامات قاجارها در برقراری امنیت

به‌موازات شورش‌ها و اغتشاشات درون شهرها و ناامنی‌های ایلات و طوایف و اهمیت یافتن امنیت اجتماعی، حکومت قاجار نیز برای غلبه بر این عوامل، اقداماتی را به کار می‌بست که از دامنه ناامنی‌ها بکاهد و دولت را در سرکوب شورش‌ها و کنترل بحران‌ها توانا نشان دهد. نمایش وضعیتی آرام در ایلات و امن بودن راه‌ها برای پادشاهان قاجار و تداوم قدرت آنان بسیار مهم بود. این اقدامات تدابیر دفاعی و بازدارندگی، احداث تأسیسات امنیتی در شهرها و راه‌ها، تقویت استحکامات حفاظتی شهرها تا سرکوب شدید و مجازات خشن اخلال‌گران و سرکشان را شامل می‌شد.

۱.۳ مقابله با عوامل هرج و مرج و لشکرکشی نظامی برای سرکوب شورش‌ها

یکی از راه‌های برقراری امنیت و آرامش در شهرها، مقابله با برهم‌زنندگان نظم اجتماعی، دزدان، راه‌زنان، یاغیان و لوطیان بود. برخی از صدر اعظم‌های قاجار که در پی تمرکز قدرت و انجام اصلاحات درون‌حکومتی بودند، برنامه مقابله‌ای با عوامل هرج و مرج و نابسامانی در کشور تدارک می‌دیدند. بنا به گزارش بروگش، مهم‌ترین کار امیرکبیر پس از عهده‌دار شدن مقام صدراعظمی، این بود که توانست بی‌نظمی، شورش، و طغیانی را که در سراسر کشور شروع شده بود، پایان دهد.

قتل و غارت و راهزنی و دزدی در جاده‌ها و داخل شهر یک امر عادی و روزمره شده بود و کسی که از خانه‌اش خارج می‌شد، امید نداشت که شب سالم به خانه بازگردد. لوطی‌های محل، کوچه و خیابان‌ها را قُرُق کرده، مردم را می‌کشتند و مجروح می‌کردند. در ولایات نیز حکام، مرگ شاه [محمد] را فرصتی برای اعمال زور و غارت اموال مردم می‌یافتند و ایلات و عشایر هم از پرداخت مالیات و عوارض خودداری می‌کردند. امیرکبیر می‌دانست که باید شروع به اقداماتی جدی کند تا گردن‌کشان بترسند و دست از کار خود بردارند، از این رو با شدت عمل به سرکوبی آن‌ها پرداخت. افراد شرور شلاق خوردند و نظم و ترتیب دوباره در کشور مستقر شد (بروگش، ۱۳۸۹: ۲۶۷).

امیر مبارزه جدی و بی‌امانی را با دزدی و فساد در همه کشور آغاز کرد. کارمندان دولت و سربازان که مدت‌ها حقوق نگرفته بودند و حقوق آن‌ها را مقامات بالا و فرماندهان‌شان می‌خوردند به طور مرتب حقوقشان را دریافت کردند. وی دست دزدان را از کارها کوتاه کرد و خودش به تنظیم لیست مالیات‌ها پرداخت (همان: ۲۶۸).

برخی از حکام مقتدر قاجاری نیز گاه می‌توانستند در منطقه حکومتی خود گروه‌های سرکش و اشرار را ریشه‌کن کنند. اما در زمانی دیگر گروه‌هایی مشابه شکل می‌گرفت که گاه از حمایت حامیانی هم برخوردار بودند. برای نمونه می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- منوچهر خان معتمدالدوله، حاکم اصفهان، با لغو بست محله برزن بیدآباد اصفهان که خانه مجتهد بزرگ شهر در آن قرار داشت و پناهگاه مجرمان و قانون‌شکنان شده بود، بسیاری از آن‌ها را دستگیر و به تهران اعزام کرد تا به کیفر اعمال ناشایست خود به دار آویخته شوند. هم‌چنین لوطیان اصفهان را که با استفاده از این وضعیت به ایجاد آشوب و ناامنی می‌پرداختند و اوضاع شهر را آشفته کرده بودند سرکوب و از جایگاه‌هایشان بیرون راند (دوبد، ۱۳۸۸: ۴۲). او هم‌چنین توانست سرانجام محمدتقی خان بختیاری را که شورش کرده و آن ناحیه را ناامن ساخته بود دستگیر کند و به دربار فرستد و بسیاری از بختیاری‌ها به قتل رسیدند (شیرازی، ۱۳۹۱: ۲۸۵).

- ظل‌السلطان حاکم اصفهان در دوره ناصرالدین‌شاه توانست آخرین ایلخانی بختیاری را که احتمال می‌داد قصد شورش داشته باشد با حيله‌ای به اصفهان دعوت کند و در آن‌جا او را به قتل برساند (بنجامین، ۱۳۹۴: ۱۵۰).

- لشکرکشی آغامحمد خان قاجار به تفلیس برای سرکوب شورش آرایکلی گرجی و آرام کردن اوضاع گرجستان، لشکرکشی به خراسان برای سرکوب ترکمن‌ها و شورشیان و نیز برای براندازی افشارها و تعیین وضعیت افغانستان، جنگ با صادق خان شقاقی که به

سال ۱۲۰۵ق در حوالی سراب تمرد کرده بود و شکست دادن او از اقدامات نخستین شاه قاجار بود (ساروی، ۱۳۷۱: ۱۹۲-۱۹۳، ۲۰۱؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۳/ ۱۴۱۳، ۱۴۱۵).

- هم‌چنین درگیری‌های داخلی فتحعلی‌شاه در آغاز سلطنت با برخی سرداران آغامحمدخان، وابستگان پادشاه، و حکام محلی آذربایجان به‌ویژه امرای دنبلی در خوی و ماکو و شورشیان و مخالفان خراسان و فارس، نظیر صادق خان شقاقی که پس از قتل آغامحمدخان، دوباره در سودای سلطنت افتاد و با قشون آذربایجان درگیر جنگ با فتحعلی‌شاه شد و شکست خورد (ساروی، ۱۳۷۱: ۳۰۳-۳۰۶؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۳/ ۱۴۴۵-۱۴۴۶، ۱۴۵۰، ۱۴۵۴)، سرکوب شورش حسینقلی خان برادر شاه و حاکم فارس و سرانجام حبس و کور کردن وی (دنبلی، ۱۳۸۳: ۴۲-۴۶، ۷۳؛ اصفهانی، ۱۳۹۱: ۹۱-۹۲، ۹۹-۱۰۰)، مجازات شدید محمولی خان قاجار و برخی دیگر از شورشیان که در طغیان حسینقلی خان با وی همراهی کرده بودند (شیرازی، ۱۳۸۰: ۱/ ۹۳، ۱۵۹؛ محمود میرزا قاجار، ۱۳۸۹: ۱۲۴)، سرکوب محمدخان زند فرزند زکی خان که برای احیای قدرت زندیه شورش کرد به سال ۱۲۱۲ق و دستگیری و کشتن یکی از یاران او به نام نجف خان زند با عده‌ای از نیروهایش (شیرازی، ۱۳۸۰: ۱/ ۷۷-۷۹ و ۸۷-۸۸؛ محمود میرزا قاجار، ۱۳۸۹: ۱۱۸-۱۲۲)، لشکرکشی برای سرکوب نادر میرزا پسر شاهرخ افشار که به قصد دست‌یابی به قدرت در خراسان شورش کرد به سال ۱۲۱۴ق و سرانجام دستگیری او در سال ۱۲۱۸ق که با برادرانش به قتل رسیدند (دنبلی، ۱۳۸۳: ۵۰-۵۱، ۵۵؛ شیرازی، ۱۳۸۰: ۱/ ۱۰۶-۱۰۸، ۱۸۰).

- در سال ۱۲۴۶ق عباس میرزا ولیعهد به خراسان لشکر کشید تا رؤسا و بزرگان ایالت خراسان را که هر یک دعوی خودسری داشتند مطیع سازد و نواحی تا کنار رودخانه جیحون را تسخیر کند و به زیر فرمان شاه قاجار درآورد. او توانست نواحی خراسان را مسخر و حکام آن‌ها را مطیع کند (مارکام، ۱۳۶۴: ۷۴). عباس میرزا پس از عبور از سمنان، دامغان، و بسطام وارد قلعه سلطان میدان از قلاع رضاقلی خان گرد شد و آن‌جا را تصرف و خراب کرد، سپس عازم مشهد شد. خسرو میرزا که برای پیوستن به عباس میرزا وارد خراسان شده بود نیز توانست حصار ترشیز از قلاع معروف را فتح کند. این اولین فتحی بود که در سفر خراسان روی داد (محمود میرزا قاجار، ۱۳۸۹: ۲۹۸). در ادامه این لشکرکشی، قلعه مستحکم امیرآباد در چناران تصرف شد. این قلعه را رضاقلی خان گرد که به همراهی ترکمانان و مخالفان دولت به غارت و آزار کاروان‌ها و زائران می‌پرداخت بنا کرده و پایگاه خود ساخته بود. اما پس از نه روز محاصره، نیروهای [مهندسی] عباس میرزا با انفجار یکی از برج‌های قلعه، دیوار آن را فرو ریختند و توانستند قلعه را بگشایند (همان: ۳۰۰-۳۰۱).

گام بعدی نایب‌السلطنه تسخیر قوچان بود که رضاقلی خان جمیع ایلات خود را از اطراف کوچانیده و به آنجا برده بود. با تصرف قوچان دوران خودسری رضاقلی خان به پایان رسید و به اصطبل ولیعهد پناهنده و محبوس گردید (همان: ۳۱۰-۳۰۹). در ادامه، ولایت سرخس فتح شد. پنج‌هزار خانوار سرخس را کوچانده و در ولایات خراسان و نواحی مشهد اسکان دادند. دویست نفر از بزرگان سرخس را که سالیان متمادی به اسیر گرفتن و کشتن مردم می‌پرداختند گردن زدند. چهارهزار از اسرای شیعه که در قلعه سرخس در بند بودند آزاد گشتند و هزاران اسب و شتر نصیب ولیعهد شد. بزرگان هرات نیز سکه به نام پادشاه قاجار زدند و خطبه به اسم او خواندند. اما عباس میرزا خود از راه آق دریند به طرف هرات حرکت کرد (همان: ۳۱۱-۳۱۳؛ مارکام، ۱۳۶۴: ۷۵).

- جنگ‌های آغاز سلطنت محمدشاه با شاهزادگان قاجاری مدعی تصاحب تاج و تخت با درایت و تدبیر میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام فراهانی، از جمله: شاهزاده ظل‌السلطان پسر فتحعلی‌شاه در پایتخت (شیرازی، ۱۳۸۰: ۲/ ۹۳۲-۹۳۳؛ اصفهانی، ۱۳۹۱: ۱۹۲)، حسینعلی میرزا فرمان‌فرما در فارس و برادرش حسنعلی میرزا شجاع‌السلطنه در کرمان (شیرازی، ۱۳۸۰: ۲/ ۹۳۱؛ اصفهانی، ۱۳۹۱: ۱۹۳). لشکرکشی برای سرکوب دیگر شورش‌ها نظیر: طغیان ولی خان ممسنی در فارس (شیرازی، ۱۳۹۱: ۲۸۰-۲۸۱)، تحریکات افغان‌های هرات و ترکمانان (همان: ۲۸۱-۲۸۲؛ لشکرنویس، ۱۳۴۷: ۷۲-۱۷۷؛ *سفرنامه حمزه میرزا*، ۱۳۸۷: ۳۳-۸۸)، طغیان محمدتقی خان بختیاری، طغیان آقاخان محلاتی در کرمان (شیرازی، ۱۳۹۱: ۲۸۵)، طغیان محمدحسن خان سالار در خراسان که «راه آمد و شد خراسان به واسطه فتنه و فساد وی مسدود گردید» (همان: ۲۸۷-۲۸۸)، شورش علی محمد باب در شیراز (همان: ۲۸۶-۲۸۷؛ فوریه، ۱۳۸۹: ۱۵۶-۱۵۷)، واقعه قره‌العین (فوریه، ۱۳۸۹: ۱۵۷؛ شیل، ۱۳۶۸: ۲۶۴)؛ نیز سرکوب جمعی از مردم شیراز به سال ۱۲۵۵ق که بر شاهزاده فریدون میرزا فرمان‌فرمای فارس شوریده بودند و قتل و دستگیری جمعی از شورشیان (شیرازی، ۱۳۹۱: ۲۸۲-۲۸۳)؛ سرکوب شورش مردم اصفهان علیه خسروخان گرجی حاکم شهر در همین سال و قتل بسیاری از شورشیان و کوچ چند خانوار از آن‌ها به آذربایجان (همان: ۲۸۳-۲۸۴).

- سرکوب برخی از شورش‌ها و مقابله با راه‌زنی‌ها و سرقت‌های مسلحانه به تدبیر میرزا تقی خان امیرکبیر که بنا به گزارشی در آغاز سلطنت ناصرالدین‌شاه «به اوج خود رسیده بود و در جاده‌های خارج از شهرها، مخصوصاً در راه‌های خراسان و اصفهان به بوشهر، کسی جرئت عبور نداشت زیرا جان و مالش در خطر حمله سارقین بود» (بنجامین، ۱۳۹۴: ۲۲۱)؛

کشتار بابیان در پی سوء قصد نافرجام به جان ناصرالدین‌شاه (شیل، ۱۳۶۸: ۲۵۵-۲۵۹؛ هدایت، ۱۳۶۳: ۷۰، ۷۱، ۷۷)؛ دستور ناصرالدین‌شاه (در سال ۱۲۹۵ ق) برای اعدام جمعی از سربازان که خواستار دریافت حقوق عقب‌افتاده خود بودند، اما در ازدحامی که ایجاد شد و ظاهراً به تحریک افرادی دیگر چند سنگ به کالسکه شاه پرتاب شد (بنجامین، ۱۳۹۴: ۱۷۸-۱۷۹؛ هدایت، ۱۳۶۳: ۱۰۳)؛ سرکوب خشن دزدان و راهزنان فارس و ریشه‌کن کردن آن‌ها به دست معتمدالدوله فرمان‌روای شیراز که با ایجاد وحشت در دل مردم و کشتن تعداد زیادی از افراد، توانست در فارس که پر از راهزن شده بود و فساد سر تا پای دستگاه‌های دولتی را فرا گرفته بود، نظم و امنیتی برقرار کند که کم‌سابقه بود. در نتیجه این امنیت مالیات ایالت فارس به طور منظم جمع‌آوری می‌شد (بنجامین، ۱۳۹۴: ۱۸۰-۱۸۱).

در دوره ناصرالدین شاه فهرستی افزون بر ۱۷۰ مورد از شورش‌ها، فتنه‌ها، آشوب‌ها، جنگ‌ها، و لشکرکشی‌ها برای سرکوب، تنبیه و مجازات، قتل و غارت و اخراج شورشیان در چهل سال از حکمرانی وی ثبت شده است که بیان‌گر وجود ناامنی، آشوب، و طغیان‌های مکرر در عصر قاجاریه و ناپایداری و شکنندگی امنیت و آرامش است. این حوادث در سراسر کشور از دارالخلافه تهران گرفته تا کردستان و دیگر نواحی کردنشین، کرمان، یزد، لرستان، زنجان، بلوچستان، هرات، خوزستان، بختیاری، گرمسیرات فارس، اصفهان، تبریز، بوشهر، خارک، کرمانشاه، بجنورد، نیشابور، مرو، سرخس، استرآباد و ... رخ داده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱ / ۶۱-۸۱).

۲.۳ اعمال مجازات‌های خشن نسبت به مجرمان

در این دوره مقامات حکومتی و حکام ایالات با اجرای مجازات‌های عرفی خشن نظیر چوب و فلک کردن، تازیانه زدن، گوش و دماغ بریدن، بریدن انگشتان، بریدن موها، بریدن سر یا دست، با طناب خفه کردن، چشم درآوردن، سوزانیدن، زنده زنده در گودال دفن کردن یا ملاط گرفتن، به درخت بستن و شقه کردن، حبس و زندانی کردن، تبعید کردن، اعدام کردن، مهار کردن و در شهر گردانیدن و تحقیر کردن، گرسنگی دادن، میخ کردن لاله گوش به دیوار، دم توپ گذاشتن، قطعه قطعه کردن اعضای بدن و بر سر دروازه‌ها آویختن، مصلوب کردن و دار زدن، کشتن با خنجر و شمشیر، جریمه کردن، کشیدن دندان و خرد کردن، چوب زیر ناخن فرو کردن، و شکنجه‌های دیگر^۱ سعی داشتند دزدان، راهزنان، و عوامل مخل نامنی را مهار کنند و دیگران را به عبرت وادارند که تأثیر چندانی در پی نداشت. هرچند برخی سیاحان این‌گونه اقدامات را در برقراری امنیت در راه‌ها و کاهش

راهزنی مؤثر دانسته‌اند (← موریه، ۱۳۸۶: ۲۴۰؛ بن‌تان، ۱۳۵۴: ۸۴؛ کرزن، ۱۳۷۳: ۱/ ۵۹۳؛ بنجامین، ۱۳۹۴: ۱۸۱، ۲۲۲).^۲

۳.۳ ایجاد تأسیسات دفاعی و استراحت‌گاهی بین‌راهی

در عصر ناصری به احداث برخی تأسیسات ارتباطی، بین‌راهی، و استراحت‌گاهی برای مردم، عابران، و کاروان‌ها به منظور حفظ امنیت و سلامت آن‌ها اشاره شده است، نظیر کاروان‌سرا، قلعه، رباط، حمام، مهمان‌خانه، پست‌های نگهداری، قراول‌خانه، چاپارخانه، یام‌خانه، پست‌خانه، آب‌انبار، پل و سد بر روی مسیرها و رودخانه‌ها برای گذر، ایجاد حوض و استخراج آب در منازل بین راه، حفر قنوت و نهرهای آب در شهرها و مسیرها، نیز راه‌سازی و تعمیر و اصلاح و هموارسازی و سنگ‌فرش راه‌ها و معابر درون‌شهری و برون‌شهری به سوی سرحدات به‌ویژه به سوی اماکن مذهبی در عراق، ایجاد دروازه‌ها و برج و باره و خندق و حصار و سیل‌بند به گرد شهرها، ایجاد قورخانه و توپ‌خانه در شهرها، ساخت ارگ و ابنیه دیوانی در شهرها که فهرست بلندی از این نوع آثار برشمرده شده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱/ ۸۲-۱۲۵).

در خدمات امیرکبیر در این زمینه آمده است که ترتیب چاپارخانه منظم از اقدامات اوست (هدایت، ۱۳۶۳: ۷۲). وی پست را در ایران به راه انداخت و در راه‌های کشور ایستگاه‌های پستی و چاپارخانه‌هایی تأسیس کرد که به مسافران اسب می‌دادند و کاروان‌سراهایی ساخت که مسافران بتوانند در آن‌ها شب را بگذرانند. جاده‌ها و پل‌های زیادی در سراسر کشور ساخت و با ایجاد پاسگاه‌ها و قراول‌خانه‌ها در طول راه‌ها، راهزنی را ریشه کن کرد (بروگش، ۱۳۸۹: ۲۶۸). شیندلر تفصیل چاپارخانه‌های بین مشهد و تهران را گزارش کرده هر چند وضع آن‌ها را نامناسب و با اسبان لنگ و زخم‌دار توصیف کرده و میزان هزینه‌ای را که دولت برای تعمیر این چاپارخانه‌ها پرداخت می‌کرده ناکافی دانسته است. او از دزدی چاپارچیان نیز سخن گفته است (شیندلر، ۱۳۴۷: ۲۰۵-۲۰۶).

کاروان‌سراهای میان راه‌ها به منزله قلاع کوچکی به شمار می‌رفتند که غالباً دارای برج‌های مراقبت بودند و مسافران به‌ویژه هنگام جنگ‌های داخلی درون آن‌ها در حال محاصره به سر می‌بردند. زیرا به گفته دروویل در دوره هرج و مرج سراسر ایران در معرض تهدید راه‌زنان بود و اینان از تجاوز به هیچ‌کس دریغ نداشتند (دروویل، ۱۳۸۹: ۸۱). قلعه ایزدخواست در مسیر راه شیراز - اصفهان با مساحتی در حدود ۱۰۸۰۰ ذرع مربع، گنجایش

هشت هزار نفر را داشت (نجم‌الدوله، ۱۳۸۶: ۱۴۲). در ایزدخواست کاروان‌سرای شاه عباسی و چاپارخانه‌ای نیز قرار داشت (همان: ۱۴۳). حدود دویست باب چاپارخانه در اطراف مرکز تا سراسر کشور بود که بیش‌تر آن‌ها مخروبه بود. مخارج تعمیر سالیانه هر کدام را از دیوان ۲۵ تومان می‌دادند و به گفته چاپارچیان در هر چند سالی چهار تا پنج تومان برای اندود می‌دادند و مابقی را مباشرین جزء می‌خوردند. این مبلغ هر سال حدود چهار هزار تومان می‌شد (همان: ۱۴۲). یکی از سیاحان در مسیر خود به تفصیل از کاروان‌سراهای میان‌راهی ایران و وضعیت آن‌ها سخن گفته و آگاهی‌های خوبی در این باره به دست داده است (د آلمانی، ۱۳۳۵: ۶۲۷-۷۸۶).

تهیه آب آشامیدنی مورد نیاز کاروان‌ها، مسافران، مرزداران، و نگاهبانان راه‌ها و نیز مردم شهر از دیگر اقدامات در این زمینه بود. در گزارشی از عصر سلطنت ناصرالدین‌شاه به حفر، بازسازی و اصلاح قنوات، آب‌انبارها و چاه‌های آب در نواحی گوناگون اشاره شده است. از جمله دیگر کارها در این زمینه عبارت‌اند از: حفر نهر آب از رودخانه کرج تا تهران، اجرای آب قلعه نه‌گنبد و حسین‌آباد در راه یزد که دزدگاه بود، بنیاد آب‌انباری بسیار بزرگ در نارین‌قلعه یزد، اجرای نهر آب در شهر خرم‌آباد و رفع کمبود آب از مردم در همان سال، اجرای قنات رحمت‌آباد در شاهرود، احداث دو رشته قنات در بم و نرماشیر، احداث قناتی در شهر کرمان، بنای اصطخر آب در منزل حوض سلطان از راه قم، ساختن حوضی بزرگ در قم، احداث یک رشته قنات در قم برای رفع کمبود آب مردم، ایجاد یک رشته قنات در صحرای دوشان‌تپه، اجرای قنات شهر بهبهان، حفر و اجرای نهر شهر رشت، احداث و حفر قنوات در منزل میان‌دشت راه مشهد، احداث آب‌انبار و یخچال در جنب رباط زعفرانی در راه مشهد، اجرای چندین قنات در کرمان، احیا و اجرای قنات نه‌گنبد راه یزد، حفر و ایجاد قنات آب برای مردم شیراز، و حفر قنات شکارآباد جنوب دوشان‌تپه (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱/ ۸۲-۱۲۵).

احداث و تعمیر راه و پل برای رفت و آمد مسافران و کاروانیان و نیز رفاه مردم در شهرها و معابر و حتی مأموریت‌های نظامی و لشکرکشی در افزایش امنیت اجتماعی تأثیر داشت. در گزارش مزبور به برخی از این اقدامات راه‌سازی و پل‌های مواصلاتی اشاره شده است: ساختن راه کتل بالای افچه از قرای قصران ری که به مازندران می‌رفت، تعمیر راه خیابان مازندران، ساختن راه گیلان، به‌سازی و هموارسازی و ساخت راه پیوزن و راه شریف‌آباد به مشهد مقدس، ساخت راه مازندران از البرز به کجور و کلاردشت، تکمیل تسویه راه گیلان به عراق و بستن پل‌های مسیر، تسطیح، تسویه، تسهیل، ساخت و شوسه

کردن راه هزارچم مازندران، اصلاح و تعمیر جاده و طریق دین آباد و طرق از نیشابور به مشهد، ساخت راه پیره بازار رشت، ساخت راه منگوده در رشت، تعریض و شوسه سازی راه پرخطر مسیر کربلا، ساخت و پرداخت تمام خط راه عتبات عالیات عراق از تهران تا خانقین، ساختن بخشی از راه آمل به تهران، تسطیح و تسویه و شوسه کردن و عراده رو کردن خیابان های عمومی و مسیرهای کاروان ها و مسافران از تهران به سرحدات ایران، اصلاح و تسطیح و تسویه عرض راه از بسطام تا خراسان، ساخت راه از تهران به بسطام، ساخت راه از ده ملاما تا بسطام، ایجاد شوسه راه قم، ساخت راه مسیر خرم دشت به طالقان، سنگ فرش معابر شهرهای تبریز، شیراز و بوشهر، تحجیر و سنگ چین کردن معابر مهم و مسیرهای عمومی تبریز، تسویه و تسطیح خیابان ها و معابر تهران و شوسه کردن کوچه های ارگ شاهی، تسطیح و اصلاح و ساخت جاده و شاه راه گردنه قوچک به کجور (همان).

تعمیر پل خواجوی اصفهان، تعمیر پل رودخانه قزل اوزن که از خاک گروس می گذشت، ساختن پل آق دربند، تعمیر سد پل دلاک و خود پل و کاروان سرای آن در قم، احداث پل بر رودخانه سیوند فارس، تعمیر پل شوشتر، تکمیل تسویه راه گیلان به عراق و بستن پل های مسیر، ساخت پل حاجی قرا، احداث پل منجیل، تجدید و بازسازی پل حاجی مابین استرآباد و آق قلعه، تجدید بنای پل فرحسار، احداث پل جدید بر سر رود ساوه، احداث پل ویژه بر سر رودخانه شور راه قم، تعمیر پل آجی، تجدید پل منجیل، تجدید پل خرم آباد، ایجاد پل کشکان، احداث و تجدید پل گلندوک (همان).

یکی از اقدامات حفاظتی در راه ها ساخت قلعه بوده است. بنای قلاع متعدد در راه ها برای مراقبت و تأمین امنیت مسافران انجام می شده و آن ها را به نگهبان و تفنگچی مجهز می کردند. در گزارش اعتماد السلطنه به ساخت و تعمیر و تجدید بنای بسیاری از این قلاع در دوره سلطنت ناصرالدین شاه اشاره شده است، نظیر: تعمیر قلعه شاهرود، احداث قلعه محکم دور حنظل آباد از دهات پشتکوه، احداث قلعه ای محکم در مرو برای اقامت قشون ساخلوی آن خطه، تعمیر قلعه مشهدی ریزه از توابع باخرز، تعمیر قلعه جزیره خارک، تأسیس و احداث قلعه ناصرآباد در مازندران، تجدید قلعه خرم آباد فیلی، احداث قلعه سرخس جدید ناصری، تعمیر قلعه قدیم شهر تهران، تعمیر آق قلعه استرآباد، ایجاد و بنیاد قلاع راه خوزستان که موجب اطمینان خاطر کاروان ها و امنیت راه ها و معابر شد. احداث قلعه فهرج در بلوچستان، بنای قلعه مریوان کردستان، احداث قلعه سرتک و احیا و ایجاد قلعه پلنگان در میان کاله مازندران، بنای قلعه جایدر در خوزستان، بنای قلعه مظفریه در وسط راه خرم آباد به خوزستان، و تجدید قلعه ازان خوارری (همان).

۴.۳ ساختن قراول‌خانه در شهرها و راه‌ها

قراول به معنی نگاهبان، مستحفظ، پاسدار، و دیدبانی که در برج و باروی اطراف شهر و جاده‌ها به مراقبت می‌پردازد یا سربازی که در محلی کشیک و نگهبانی می‌دهد، آمده است. نیز در معنای فوجی که از پیش رود، مقدمه، طلایع، طلایه‌دار، و جلودار سپاه نیز به کار رفته است. مکانی که این نگاهبانان در آن قرار می‌گرفتند و به مراقبت می‌پرداختند قراول‌خانه گفته می‌شد (معین، ۱۳۷۱: ۲/ ۲۶۵۴-۲۶۵۵). در عصر قاجاریه، به راهنمایی میرزا تقی‌خان امیرکبیر، که صدارت ناصرالدین‌شاه را در اوایل سلطنت او بر عهده داشت، در شهرها قراول‌خانه تأسیس شد که نگاهبانان این قراول‌خانه‌ها را قراول می‌گفتند. وظیفه قراول‌ها حفظ نظم و قانون شهر در شبانه‌روز بود. قراول‌ها گاه به کمک پلیس سوار نظمیة شهر شورش‌های شهرها را مهار می‌کردند (فلور، ۱۳۶۶: ۱/ ۳۶-۴۰).

در سال ۱۲۶۷ق به دستور ناصرالدین‌شاه قراول‌خانه‌هایی از اصفهان تا مقصودبیک در راه فارس و هم از اصفهان تا کاشان احداث شد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱/ ۹۲) و در ۱۲۶۸ق قراول‌خانه‌هایی مستحکم برای استقرار نگاهبانان عابران و کاروان‌ها در معابر تراکمه دشت گرگان و استرآباد ساخت (همان: ۹۱). در همین سال، برج‌ها و قراول‌خانه‌های آق‌دربند به مباشرت عباس‌قلی خان بیگلربیگی تجدید بنا شد (همان: ۹۳). نیز در ۱۲۸۴ق قلعه‌ها و قراول‌خانه‌های بسیاری در معابر ترکمان‌های آتک، که به داخل کشور یورش آورده و به غارت‌گری می‌پرداختند، احداث کرد تا از ورود آن‌ها جلوگیری شود (همان: ۱۰۳). از دیگر تدابیر در این باره تأسیس قلاع در الهاک و زیدر و سایر معابر تهاجم طوایف ترکمان و مسکونی ساختن آن‌ها و قرار دادن نگاهبانان تفنگچی به سال ۱۲۶۷ق، تجدید قلعه خواجه نفس در سرحد استرآباد و بستن بند گرگان هر دو به دست محمدولی خان بیگلربیگی استرآباد در همان سال (همان: ۹۰) و کشیدن باره و حفر خندق و ساختن شیرحاجی (از قسمت‌های استحفاظی در قلعه‌ها) دور قصبه عنایت‌آباد و میامی در سرحد معبر ترکمانان به سال ۱۲۶۸ق بود (همان: ۹۲). هم‌چنین در سال ۱۲۶۷ق از احداث قراول‌خانه‌ها در شهرهای بزرگ، ایجاد و احداث چاپارخانه‌ها و یام‌خانه‌ها در سراسر کشور، احداث و ایجاد قلاع جهت آسایش کاروان‌ها و عابران از دزفول تا بروجرد، احداث رباط‌هایی در مسیر راه دزفول به خرم‌آباد، احداث پانزده باب چاپارخانه در خط چاپاری مملکت فارس، احداث قلعه‌ای محکم دور حنظل‌آباد از دهات پشتکوه، و در سال ۱۳۰۳ق از بنا و احداث محکمه و قراول‌خانه در سمت اجارود نمین سخن به میان آمده است (همان: ۹۱-۹۲ و ۱۱۴).

سفیر فرانسه در مسیر حرکت خود از ارومیه از قراولخانه‌های زیاد، که از بیم تاخت و تاز کردها ایجاد شده بود، گزارش داده است (اوبن، ۱۳۶۲: ۹۵).

البته وجود این نیرو به این معنا نیست که در انجام وظیفه خود کوشا و قوی بوده‌اند. قراولها همانند گزمه‌ها چندان در برقراری امنیت شهرها موفق نبودند (فلور، ۱۳۶۶: ۱/ ۴۰). یکی از سیاحان روس قراولانی را مشاهده کرده که به جای این که در محل‌های خود به نگرهبانی مشغول باشند، در کمال آسودگی مشغول صرافای بوده، یا لباس‌های خود را وصله می‌زده‌اند و یا به خواب رفته بوده‌اند (گزارش ایران ...، ۱۳۶۳: ۵۰).

۵.۳ به کارگیری راه‌داران و قراسورانها

راه‌داران و قره(قرا)سورانها بیش‌تر وظیفه امنیت راه‌ها و جاده‌های ارتباطی را داشتند. یکی از راه‌کارهای مبارزه دولت با راه‌زنی و محافظت از مسافران در ابتدا تأسیس پست‌های راه‌داری بود که سربازان در آنها مستقر بودند، اما بعدها فقط هنگامی از طرف حاکم راه‌دار اعزام می‌شد که در نقطه‌ای غارت رخ می‌داد. این راه‌دارها موظف بودند که جاده‌ها را از دزدان پاک کنند (پولاک، ۱۳۶۸: ۳۱۵). در گزارش‌های اوژن فلاندن و دوید در مسیر شیراز به سوی کازرون از راه‌دارخانه‌هایی صحبت شده که راه‌دارها از کاروان‌ها حق راه‌داری می‌گرفته‌اند (فلاندن، ۲۵۳۶: ۳۴۲؛ دوید، ۱۳۸۸: ۱۱۵).

نیروی‌های دیگری که به شکل دسته‌های سوار از طرف دولت مأمور حراست و امنیت راه‌ها و جاده‌ها می‌شدند تا مسافران و کاروان‌ها را از شر راه‌زنان محفوظ دارند، قره‌سوران نام داشتند (کاساکوفسکی، ۱۳۵۵: ۲۲؛ معین، ۱۳۷۱: ۲/ ۲۶۵۲، ۲۶۶۹). اگر روستایی در کنار جاده بزرگی واقع شده بود، تأمین امنیت قسمتی از راه به عهده ساکنان آن روستا بود و از میان آنان عده‌ای به عنوان قره‌سوران تعیین و برای مراقبت منطقه مورد نظر اعزام می‌شدند. این افراد مسلح و یونیفورم‌پوش بودند و همواره در اختیار حکومت قرار می‌گرفتند و از پرداخت مالیات معاف بودند (اوبن، ۱۳۶۲: ۳۴). اولیویه در آغاز قاجاریه در مسیر کرمانشاه به تهران با تعداد هشت نفر همراه بدون بیم از دزد و راه‌زن مسافرت می‌کند و اظهار می‌کند که از زمانی که آغامحمد خان قاجار به سلطنت نشسته است به آسودگی تمام در مملکت ایران می‌شود سفر کرد؛ زیرا در همه راه‌ها و کاروان‌سراها قراسوران مستحفظ حضور داشتند. اگر شخصی در مسیر راه‌ها گرفتار دزد شود یا مالی از او به سرقت برود، بخششی بر ساکنان آن حول و حوش نبود. افزون بر این باید کلیه اموال مسروقه گرفته می‌شد و برای

نگهبانان راه‌ها جزایی غیر از قتل نبود (اولیویه، ۱۳۷۱: ۴۱). اولیویه تأیید می‌کند که آغامحمد خان نظامی گذاشته، راه‌ها امنیت یافته، کاروانیان و مسافران از صدمه راه‌زنان ایمن بودند، خوانین و حکام احکام او را بی‌تخلف اجرا می‌کردند و به ظاهر در سراسر قلمرو مملکت آسودگی بود. هرچند وی از تداوم این وضعیت در آینده مطمئن نبود (همان: ۹۵). اوژن اوین سفیر فرانسه نقل کرده که در میانه، فرمانده جوان قره‌سوران‌های محافظ راه‌ها به استقبال وی آمده و تا تبریز او را همراهی کرده است (اوین، ۱۳۶۲: ۴۸). نجم‌الدوله در سفر خود در دیدار از تخت جمشید با محمدجعفر خان سرکرده ۴۰ نفر تفنگچی قراسوران ملاقات دارد که از سوی محمدصادق خان همشیره‌زاده صاحب دیوان از شیراز برای خدمت به وی مأموریت یافته بودند (نجم‌الدوله، ۱۳۸۶: ۱۳۵). البته قره‌سوران‌ها به‌خوبی از عهده امنیت برنمی‌آمدند (امین‌الدوله، ۱۳۷۰: ۲۴۷).

۶.۳ تقویت استحکامات دفاعی شهرها

استحکامات و برج و باروی شهرها در امنیت آن‌ها تأثیر داشت. هرچه شهر از امنیت دفاعی بیش‌تری برخوردار بود خطر موفقیت دزدان و راه‌زنان در آسیب زدن به شهر کم‌تر بود. برای نمونه، شهر خوی دارای برج و بارویی از خاک رس بود. دیوارهای کنگره‌دار، خندق‌های عمیق، خاک‌های دست‌ریز، پل‌های متحرک، دروازه‌ها و درهای دوگانه شهر به‌خوبی حفظ شده بود. این تمهیدات و سیستم دفاعی برای دفاع از شهر مؤثر و کارساز بود (اوین، ۱۳۶۲: ۸۰). این شیوه شهرسازی در ایران عمومیت داشت. دور هر قصبه‌ای حصار از گل دارای برج‌های مرتفع آجری کنگره‌دار بود و گرد شهرها (افزون بر حصار و برج) خندق نیز کنده بودند (گاردان، ۱۳۶۲: ۱۳۶). حصار مشهد از دیواری تشکیل یافته بود که در اطراف شهر دور می‌زد. قطر آن در قاعده ۲/۷۵ متر و در رأس ۱/۲۵ متر بود و در فاصله‌های متعدد دارای برج‌های دفاعی بود. به‌گرد حصار نیز خندقی قرار داشت (دآلمانی، ۱۳۳۵: ۶۱۸). بر اثر حملات راه‌زنان ایلی روستاها و شهرها ناچار بر استحکامات دفاعی خود می‌افزودند، دیوارها و دروازه‌ها را مرمت می‌کردند و گاه حالت قلعه مستحکم می‌یافتند. کاروان‌ها نیز پیش از حرکت می‌بایست از عدم حمله مهاجمان در مسیر خود مطمئن می‌شدند (همبلی، ۱۳۸۷: ۶۰۱). همین استحکامات دفاعی از دید پولاک در عدم وقوع غارت و دزدی از کاروان‌ها و اموال مؤثر بوده است؛ زیرا به گزارش وی تقریباً دور تا دور تمام دهات دیوارهای بلند کشیده شده بود و از این دهات فقط از یک دروازه می‌شد به

بیرون راه یافت که آن هم شب‌ها بسته بود و امکان نداشت که عده‌ای سوار بدون اطلاع و موافقت همه اهالی به داخل ده بیایند یا از آن‌جا خارج شوند. غارت‌گرانی که از راه دور می‌آمدند هرگاه حاکم محل به تدابیر لازم دست می‌زد به‌زودی شناخته و دستگیر می‌شدند. این رسم هم معمول بود که هرگاه کاروانی غارت می‌شد پیش از همه پرداخت غرامت به عهده حاکم گذارده می‌شد (پولاک، ۱۳۶۸: ۳۱۲).

شهر تهران قدیم مدور بود و قریب یک فرسنگ دور آن می‌شد. بنای عمده در این شهر ارگ و عمارت سلطنتی بود که برج و باروی محکم داشت و خندقی دور آن حفر کرده بودند. دو سمت ارگ به قلعه شهر منتهی می‌شد و دو سمت دیگر متصل به شهر بود. خندق ارگ از سمت شهر پلی چوبین داشت که از روی آن عبور نموده داخل میدان ارگ می‌شدند و به درب خانه پادشاه می‌رفتند. عمارت سلطنتی تهران بسیار وسیع بود. حیاط‌ها و باغ‌های متعدد و حرم‌خانه بسیار معتبر داشت (مارکام، ۱۳۶۴: ۳۴). به گزارش گاردان در تهران جلوی هر دروازه‌ای از ۲۰۰ تا ۳۰۰ قدم برجی گلی ساخته بودند و روی آن را اندود کرده و خندقی نیز گرداگرد تهران بود که هیچ قسمت آن از قلعه دیده نمی‌شد (گاردان، ۱۳۶۲: ۱۳۶). خندق در حقیقت وسیله دفاعی و حفاظی برای شهر به شمار می‌رفت. پس از خندق، حصار و دیوار بلند خاکی شهر وجود داشت که در هر پنجاه یا شصت متر دارای یک برج بود که در آن‌ها توپ‌ها را مستقر کرده و افراد پیاده هم می‌توانستند در آن‌ها مستقر شوند و از سوراخ‌های برج‌ها مهاجم را زیر آتش خود قرار دهند. تهران دارای شش دروازه بزرگ بود. در اطراف هر دروازه دو برج مستحکم و بزرگ دژمانند وجود داشت که از آجر و سنگ‌های الوان ساخته شده بود و با انواع کاشی‌های خوش‌رنگ تزئین شده بود (بروگش، ۱۳۸۹: ۱۷۴-۱۷۵؛ اولیویه، ۱۳۷۱: ۶۸-۶۹). همین توصیفات را یکی دیگر از سیاحان خارجی این دوره با تصویری شاعرانه‌تر درباره دروازه‌ها و برج‌ها و وضعیت داخلی شهر ارائه داده است (بل، ۱۳۶۳: ۱۸-۲۳). شهر تهران لقب دارالخلافه داشت (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱/۵۳، ۸۸، ۸۹). اعتمادالسلطنه تأسیس و بنیاد شهر جدید دارالخلافه ناصری را یکی از آثار ناصرالدین‌شاه برشمرده که کلنگ آن در ۱۲۸۴ق به زمین زده شد. وی مساحت شهر جدید را تقریباً سه فرسنگ و نیم با دوازده دروازه ذکر کرده و از خندق و خاکریز و فاصله آن با باروی شهر قدیم سخن گفته است (همان: ۸۹، ۱۰۴). جلوی دروازه ارگ (قصر) شاهی در تهران گارد ویژه نگهبانی پاس می‌داد. شب هنگام دروازه ارگ را می‌بستند و اگر کسی می‌خواست از دروازه عبور کند، فقط همراه با مأمور پلیس یا پروانه عبور صادره از طرف اداره پلیس امکان‌پذیر بود (کورف، ۱۳۷۲: ۲۰۷). شبانگاه از ساعت نه

هر کس می‌بایست در خانه خود می‌بود، زیرا در ساعات ممنوعه اگر پلیس کسی را در کوچه و خیابان می‌دید او را نزد کدخدا و داروغه می‌برد و ناچار تا صبح در آن‌جا می‌ماند و پس از سختی‌هایی که می‌دید با پرداخت جریمه رها می‌شد (د آلمانی، ۱۳۳۵: ۷۹۵).

مأموران پلیس به مردم تهران اخطار کرده بودند که برای حفظ امنیت خود، شب‌ها بدون فانوس از منزل خارج نشوند و بدین ترتیب هر کس در تاریکی شب می‌خواست از منزل بیرون رود و یا از کوچه و بازار به منزل برگردد می‌بایست فانوسی را در دست می‌گرفت که بتواند جلوی پای خود را ببیند تا در تاریکی شب در چاله چوله‌های خیابان نیفتد و به او صدمه‌ای نرسد، و نیز مورد حمله دزدان واقع نشود. طبقات اعیان و اشراف فانوس‌هایی را به دست نوکران خود می‌دادند که جلو و اطراف حرکت آن‌ها و راه را روشن می‌کردند (بروگش، ۱۳۸۹: ۲۶۶؛ کورف، ۱۳۷۲: ۲۰۷). بنا به گزارشی از یک سیاح روس به سال ۱۳۰۵ ق کوچه‌های تهران به واسطه فانوس‌های روغن کرچک‌دار تا شش ساعت از شب گذشته روشن بود و با توجه به این‌که در تهران کارخانه چراغ‌گازی احداث شده بود، بهترین محلات تهران و عمارت سلطنتی از همان چراغ‌گاز روشن می‌شد (گزارش ایران ...، ۱۳۶۳: ۳۰). در این گزارش، از دیوار گلی مستحکم شهر که اطراف آن را خندق بسیار عمیقی احاطه کرده بود و از هر طرف این دیوار یک دروازه زیبا با کاشی‌کاری‌های بسیار خوب قرار داشت یاد شده است (همان: ۲۷).

در سلطنت ناصرالدین‌شاه در رسیدگی به جنبه دفاعی و استحکامی شهرها موارد زیادی از ساخت و تعمیر دروازه‌ها، بروج و باره، حصار، خندق، عمارات و ابنیه دولتی، ارگ، انبارهای بزرگ، کاروان‌سراها، پل‌ها، رباط‌ها، قنوت، آب‌انبار، نه‌رها و چاه‌های آب، توپ‌خانه و قورخانه شهرها گزارش شده است. برخی از این اقدامات عبارت‌اند از: تعمیرات دروازه‌های صدمه‌دیده زنجان در شورش بابیان، تعمیر بروج و باره شهر کرمان، تعمیر ارگ و ابنیه دیوانی مشهد مقدس، تعمیر ارگ بم و روئین‌دز نهاوند، تعمیر بروج و بدنه ارگ و شهر در دارالخلافه تهران، تعمیر دیوار حصار بوشهر به سمت دریا، تعمیر میدان توپ‌خانه و نقاره‌خانه کرمانشاه، احداث قلعه ناصراباد در مازندران و حفر خندق آن و خندق فرح‌آباد و نهر زاغ مرز و تجدید خندق حسین‌آباد، بنای قورخانه بزرگ در شیراز، تجدید عمارات دیوانی و توپ‌خانه و قورخانه استرآباد، تعمیر کاروان‌سرای شاه در ساری، تعمیر سد پل دلاک و خود پل و کاروان‌سرای آن در قم، تأسیس میزانی بزرگ شامل انبارهای وسیع در تبریز، بازسازی عمارات و تجدید ابنیه دولتی شیراز که بر اثر زلزله تخریب شده بودند، تجدید و بازسازی ابنیه قورخانه و توپ‌خانه محمره (خرمشهر)، بنای

تعدادی رباط و حمام و کاروان‌سرای معتبر در کرمان، تجدید و مرمت و تأسیس و عمارت رباطات مسیر راه کرمان، بنای انبار در بندر مشهدسر برای حفظ اموال و کالاهای وارده از دریای خزر به خاک مازندران، مرمت ارگ شهر سبزوار، احداث رباط زعفرانی در راه مشهد، احداث و بنای مهمان‌خانه و آب‌انبار و یخچال و چاپارخانه در جنب رباط زعفرانی، تجدید کاروان‌سرای واقع در نزدیکی پل قراسو محل عبور زائرین عتبات عالیات در عراق عرب، احداث مهمان‌خانه‌های راه شوسه قم، تعمیر قورخانه کلات، حفر خندق عمیق دور شهر بجنورد، و عمارت کاروان‌سرای معتبر در بین راه خوزستان به خرم‌آباد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱/ ۸۲-۱۲۵).

۷.۳ گماشتن محافظ

یکی از راه‌های تأمین امنیت مسافران اروپایی در این دوره گماشتن محافظ و تفنگچی بود که مسئولیت حفظ جان آنان را در مسیرها تا مقصد مورد نظرشان بر عهده داشتند. شب‌ها حکام شهرهای مسیر مسافران ناگزیر بوده‌اند برای حفظ جان آن‌ها از دست‌برد دزدان محافظ بگمارند یا در گذر از مناطق پرخطر، قراول و تفنگچی به همراهشان اعزام کنند. چنان‌که حاکم شیراز دو سرباز زبده برای حراست شبانه آن‌ها می‌فرستد که با سنگربندی و تدابیری دزدانی را که قصد دست‌برد داشتند فراری می‌دهند. حاکم کازرون و دهستان‌های مسیر تا ممسنی نیز با اعزام قراول و تفنگچی سعی نمودند که امنیت این گروه تأمین شود (← فلاندن، ۲۵۳۶: ۳۱۶، ۳۴۲-۳۴۴). وجود کشیکچی و محافظ برای شخص شاه و شاهزادگان و بزرگان چه در شهر و به‌ویژه در اردوها هنگام لشکرکشی ضروری بود. در این اردوها جماعتی حدود پانصد نفر شب‌ها دور چادر شاه یا ولیعهد کشیک می‌دادند. بستگان شاه یا ولیعهد هم هر کدام مسحفظینی داشتند که کشیک می‌دادند و تمام شب را برای این‌که غافل نشوند به صدای بیدارباش یک‌دیگر را می‌خواندند (گاردان، ۱۳۶۲: ۱۳۵).

۸.۳ گروگان نگه داشتن

قاجارها گاه برای جلوگیری از شورش برخی از بزرگان ایالات یا یورش طوایف ایلی به شهرها و نواحی مسکونی، بعضی از سران آن‌ها را در دربار یا تهران و حتی در زندان پایتخت نگاه می‌داشتند تا از ارتکاب به رفتار نادرست پرهیز کنند. دولت مرکزی قاجار حدود چهل پنجاه خانوار ترکمن گوکلان را از ناحیه استرآباد به تهران منتقل کرد و با

گروگان نگه داشتن مردان آن‌ها در پایتخت سعی داشتند از سرکشی افراد این قبیله جلوگیری کنند اما نتیجه‌بخش نبود (شیل، ۱۳۶۸: ۱۶۷). چنین حکایتی را یکی از مورخان داخلی نیز نقل کرده است. به سال ۱۲۱۸ق دولت مرکزی لشکرکشی‌ای برای سرکوب طایفه‌های گوکلان و یموت ترتیب می‌دهد و به قتل و غارت آن‌ها دست می‌زند و تعداد زیادی از آنان را به اسارت درمی‌آورد. تعدادی از زنان بزرگان طایفه را به تهران کوچ دادند و بقیه را ملتزم و متعهد گرداندند (محمود میرزا قاجار، ۱۳۸۹: ۱۴۸). قزوین، کاشان، و تهران پر بود از رؤسای قبایل و طوایف که به عنوان گروگان متوقف بودند و از اطاعت و انقیاد عشایر خود دم می‌زدند (اولیویه، ۱۳۷۱: ۹۵).

۹.۳ تلاش برای تشکیل نظام عدلیه

یکی از مشکلات قاجارها که مانع از نهادینه شدن امنیت عمومی در جامعه می‌شد نبود تشکیلات کارآمد عدلیه و نظام مؤثر حقوقی و وحدت رویه قضایی برای مقابله با جرایم و برقراری امنیت و نظم عمومی در جامعه بود. نظام حقوقی دوره قاجار نواقصی داشت و زمینه مناسبی برای فساد از جمله رشوه و پیشکش در امر قضاوت عمومی داشت. برخی مناصب در امور مربوط به دادرسی، صدور، و اجرای احکام آلوده به دریافت رشوه بودند (کرزن، ۱۳۷۳: ۱/ ۵۹۱). با این‌که مجموعه‌ای از قوانین وجود داشت، اما هیچ‌یک از آن‌ها به درستی اجرا نمی‌شد. چون عوامل بازدارنده قدرت قانون مانند حب و بغض‌ها، تحریکات مختلف، فساد، و اعمال نفوذ همواره در کار بود و به مصلحت‌ها بیش‌تر از مواد قانون توجه می‌شد. قوانین شرعی نیز مورد استفاده کامل قرار نمی‌گرفت و یا در اجرا که به عهده مأموران حکومتی قرار داشت، به دلیل روش‌های گوناگون تفسیر، توجیه، و اجرا، مشکلات مختلفی برای طرفین دعوی پیش می‌آمد که منجر به فساد و آشفتگی می‌شد (شیل، ۱۳۶۸: ۱۱۶-۱۱۷؛ د آلمانی، ۱۳۳۵: ۳۱-۳۴). میرزا تقی خان امیرکبیر در دوران صدارت خود اصلاحاتی را در نظام قضایی در خصوص اصلاح محضر شرع، بنای دیوان‌خانه عدالت، رسیدگی به دادخواهی مردم علیه دولت، آیین جدید دادخواهی اقلیت مذهبی، و برانداختن رسم شکنجه متهم و مجرم انجام داد (آدمیت، ۱۳۶۲: ۳۰۸) اما با عزل وی روال پیشین ادامه یافت.

مشکلاتی که محاکم عرفی و مجازات‌های صادره از سوی مأموران اجرایی در پی داشت و اهتمام برخی صدر اعظم‌های اصلاح‌گر به سامان دادن نظام عدلیه و نیز آشنایی با قوانین حقوقی مغرب‌زمین بر اثر ارتباط با اروپا، ناصرالدین‌شاه را که خود از معایب و نواقص نظام قضایی ایران آگاه بود، ناگزیر ساخت اقداماتی را برای اصلاح آن انجام

دهد که نتیجه‌ای در بر نداشت. اقدامات وی برای تأسیس دادگاه‌های مدنی، تشکیل شورای اداری به منظور تأمین هم‌کاری مقامات محلی در کار حکومت و جلوگیری از ستم یا فساد آن‌ها (شیل، ۱۳۶۸: ۱۱۷؛ کرزن، ۱۳۷۳: ۱/ ۵۹۷؛ د آلمانی، ۱۳۳۵: ۴۰-۴۴)، دایر کردن «صندوق عریضه» در سطح شهر برای دریافت و رسیدگی به شکایات مردم (کرزن، ۱۳۷۳: ۱/ ۶۰۳-۶۰۴)، صدور فرمانی جهت لغو بست‌نشینی و ایجاد دادگاه‌هایی برای رسیدگی به دعاوی افراد (همان: ۵۹۷)، صدور اعلان یا دست‌خط مورخ رمضان ۱۳۰۳ ق راجع به آزادی جان و مال افراد و موظف نمودن مأموران در اجرای این حکم (← همان: ۵۹۸؛ د آلمانی، ۱۳۳۵: ۴۳)، دستور به دارالشورای کبری برای تعیین قانونی در امور عدلیه، ایجاد تشکیلاتی برای وزارت عدلیه در سال ۱۳۰۰ ق (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۳/ ۲۱۰۱-۲۱۰۲؛ ۱۳۶۳: ۱/ ۴۱۲-۴۱۱) همه بی‌نتیجه ماند.

در مجموع تلاش ناصرالدین‌شاه برای تأسیس دادگاه‌های قضایی و تدوین مجموعه قوانین که بتواند در برقراری امنیت اجتماعی مؤثر باشد به جایی نرسید و دارالشورای کبری دولتی و وزارت عدلیه نیز در برقراری امنیت عمومی و جلوگیری از تعدیات و اجحافات بر مردم موفقیتی نداشت. زیرا ساختار ناسالم و فسادپذیر حکومت قاجاری و شیوه اداره ایالات، که در دست افراد متنغد و پول‌دوست بود، و طبیعت استبدادگرای خود پادشاه مانع از اجرای برنامه‌های اصلاحی می‌شد. در واقع در ایران عصر قاجار کیفی‌هایی که نسبت به مجرمان انجام می‌گرفت نیز به منزله دفاع برای نگه‌داشت و تحکیم جامعه در برابر کسانی که موجودیت آن را تهدید می‌کردند نبود، بلکه عملی انتقامی بود و شدت و ملایمت انواع کیفرها بر این ضابطه اعمال می‌شد. غالباً به اشاره شاه یا حکام ایالات بر اساس عرف و مصلحت مجازات‌هایی اعمال می‌شد (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۲۷؛ دروویل، ۱۳۸۹: ۱۹۰) که به‌رغم خشن بودن آن‌ها بازدارنده و کارساز نبودند و در تأمین امنیت عمومی و فراگیر تأثیر مطلوبی نداشتند.

۱۰.۳ تشکیل نیروهای جدید امنیتی

به دلیل عدم کارایی نیروهای امنیتی نظیر داروغه، عسس، گزمه، و قراول در برقراری امنیت مطلوب در کشور و نیز بر اثر روابط با غرب و متأثر از تحولات کشورهای اروپایی و شیفتگی ناصرالدین‌شاه به برخی از تأسیسات تمدنی جدید، که در سفرهای اروپایی خود با آن‌ها از نزدیک آشنا می‌شد، تمایل برای تأسیس نیروهای امنیتی نوین در کشور بالا گرفت و چند نیرو نظیر پلیس یا نظمیه، نیروی قزاق، و ژاندارمری به تدریج با کمک

اروپاییان در کشور شکل گرفت. از آنجا که تفصیل چگونگی، شرح وظایف، کارکردها، و پیامدهای این نیروها در حوصله این مقاله نیست از بیان بیش تر خودداری و به اشاراتی کوتاه در این باره بسنده می‌شود.

ناصرالدین‌شاه پس از بازگشت از سفر دوم خود به اروپا در سال ۱۸۷۸م پلیس جدیدی به مفهوم اروپایی تأسیس کرد. اداره پلیس به نظمی یا پلیس معروف بود که خلاصه «اداره نظمی» و پلیس دارالخلافه» بود. نخستین رئیس اداره پلیس، کنت د مونت فرت اتریشی بود. همه مقاماتی که در خدمت یک جوخه پلیس بودند، مانند داروغه بازار و کدخدایان و سرگزمه، همه تحت فرماندهی رئیس پلیس درآمدند. به تعبیری، شغل شحنگی شهر و پاس بیوتات و اسواق دارالخلافه با این گروه انبوه شد و از دید اعتمادالسلطنه نقش مهمی در مبارزه با سرقت و حفظ نظم عمومی داشتند. هدف تجدید سازمان و هماهنگ کردن تمام فعالیت‌های نیروهای پلیس بود. این نیرو با لباس و سلاح‌های جدیدی مجهز شد. در آن زمان صاحب‌منصب اداره پلیس لقب نظام‌الملکی و امتیاز امیرتومانی داشت و اجزا و اعضایش صاحبان مراتب و مواجب دیوانی بودند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱/ ۱۶۴). اصول وظایف پلیس به تفصیل در کتابچه‌ای که کنت فورت تنظیم کرده آمده و در برخی نوشته‌ها به آن پرداخته‌اند (محبوبی، ۲۵۳۷: ۲/ ۱۴۱-۱۴۵؛ سیفی، ۱۳۶۲: پیوست ۲۶-۱). وی هم‌چنین برای انتظام امور نظمی طرحی در ۱۸ فصل به شاه ارائه کرد (سیفی، ۱۳۶۲: ۵۸-۶۸).

اما امین‌الدوله ارزیابی مثبتی از عملکرد پلیس جدید ندارد. به نوشته وی، صاحب منصب اتریشی که ریاست دستگاه پلیس را داشت طوری راه تعدی، ستم، مداخل، و منافع حرام را آموخت که هیچ ایرانی به گرد او نمی‌رسید. مردم را به بهانه‌جویی می‌گرفتند و جزای نقدی از درآمدهای مشروع تلقی می‌شد. محترمین را به محبس پلیس می‌کشیدند و در زجر و شکنجه جان‌ها تلف می‌شد و کسی هم از دولت و علما اعتراض نمی‌کرد و صدای مردم هم به جایی نمی‌رسید (امین‌الدوله، ۱۳۷۰: ۵۶). پس از شکست واقعه رژی، رئیس کل گمرک، که فرد ارمنی استانبولی و رئیس پلیس که اتریشی بود، نسبت به مقام خود نگران شدند. چون شاه از طرز رفتار پلیس هنگام شورش اهالی پایتخت به هیچ وجه راضی نبود و می‌گفت که پلیس نتوانسته این حادثه را پیش‌بینی کند و جلوی آن را بگیرد. به همین سبب رئیس آن را عوض کرد و معاون آن اداره یعنی ابوتراب‌خان را به آجودانی خود برگزید و مقام معاونت پلیس را ملغی کرد. ابوتراب‌خان به فووریه گفته که رئیس تازه پلیس سیدعبدالله برادر میرزا عیسی وزیر نایب‌الحکومه تهران، این مقام را که تیول نایب‌السلطنه بود، از او به ماهی ۱۰۰۰ تومان اجاره کرده است^۳ (فووریه، ۱۳۸۹: ۳۴۰-۳۴۱).

در انگیزه تأسیس ژاندارمری نیز به نقل از امین‌الدوله، وی با این توجیه که قره‌سوران‌ها که وظیفه امنیت راه‌ها را داشتند خود شریک سارقین شده و از عهده امنیت برنیامده‌اند تصمیم گرفت عده‌ای ژاندارم با حقوق معین و لباس و ظاهر مرتب به سبک اروپا ترتیب دهد که هم بتوانند راه‌ها را حفظ کنند و هم در نظر دولت‌های خارجی مورد پسند واقع شوند. از این روی به ماژور مالتای ایتالیایی که مدت‌ها در ایران بود، برای این کار مسئولیت داده شد (امین‌الدوله، ۱۳۷۰: ۲۴۷؛ لیتن، ۱۳۶۷: ۱۷۲-۱۷۷).

با تأسیس قزاق‌خانه و نیروهای قزاق به فرماندهی افسران روسی (← لیتن، ۱۳۶۷: ۱۷۱-۱۷۲) نیز دولت در برخی حوادث از این نیرو برای جلوگیری از اغتشاش و هرج و مرج در کشور استفاده می‌کرد. چنان‌که پس از ترور ناصرالدین‌شاه، صدراعظم دست‌خطی برای پالکونیک روس (کاساکوفسکی)، رئیس قزاق‌خانه، می‌فرستد با این مضمون که: «به عهده شما محول می‌شود که قزاق‌ها را احضار و در شهر به گشت بگمارید که از بروز اغتشاش جلوگیری به عمل آید». او نیز برای احتراز از اغتشاش و جلوگیری از اشاعه شایعات مخاطره‌آمیز در آن ساعات بحرانی، امریه‌ای برای عموم صادر می‌کند (کاساکوفسکی، ۱۳۵۵: ۳۵-۳۶). هنگام اعدام میرزا رضا کرمانی، ضارب ناصرالدین‌شاه، نیز صاحب‌منصبان قزاق‌خانه و قزاق‌ها با فرمانده آن‌ها مأمور برقراری امنیت مراسم در میدان مشق می‌شوند (همان: ۹۲). فرمانده قزاق روسی از اوضاع پس از قتل ناصرالدین‌شاه گزارش می‌دهد که در شهر آرامش برقرار است و اجحافات شاید هم کم‌تر از زمان حیات شاه و حکومت نایب‌السلطنه باشد، زیرا پلیس از قزاق‌ها ملاحظه دارد و صاحبان مناصب و اعیان از قدرت و خشونت صدر اعظم می‌ترسند (همان: ۵۲). قزاق‌ها نیز گاه در راه‌ها مأموریت‌هایی نظیر استقبال از برخی شخصیت‌های خارجی، حفظ امنیت آنان، محافظت از تأسیساتی که روس‌ها در ایران دایر کرده بودند، مانند مطب، را بر عهده داشته‌اند (← سایکس، ۱۳۶۳: ۲۵، ۳۶).

شاید در نتیجه این گونه اقدامات بازدارندگی و تأمین‌ی بوده که پولاک مطالبی را که در مخاطرات امنیت جانی و مالی گریبان‌گیر مسافران در ایران ذکر شده غلوآمیز دانسته و می‌گوید که در اطراف و اکناف ایران سفر کرده و در دل شب فرسخ‌ها در بیابان‌های خشک و خالی طی نموده، اما هرگز دچار حادثه سوئی نشده است و در حد اطلاع در طول ده سال اخیر هیچ اروپایی به قتل نرسیده و اموالش به غارت نرفته است. به نوشته وی با قافله سفر کردن همواره حداکثر امنیت جانی و مالی مسافر را تأمین می‌کرد. بسیار کم اتفاق می‌افتاد که کاروانی مورد حمله تجاوزآمیز قرار گیرد و به استثنای مواردی معدود، در

صورت وقوع حادثه‌ای، دزدان و غارت‌گران به‌زودی دستگیر می‌شدند و به مجازات می‌رسیدند؛ زیرا چون همه تجارت و معاملات داخلی و خارجی با کاروان انجام می‌پذیرفت، حکومت ناگزیر بود که حفظ و حمایت از کاروان‌ها را وجهه همت خود قرار دهد و هر نهب و غارتی را به شدت تمام کیفر دهد (پولاک، ۱۳۶۸: ۳۱۱-۳۱۲). بنجامین نیز با ذکر ناامنی آغازین پادشاهی ناصرالدین‌شاه اما امنیت بعدی آن را ستوده و به‌جز کردستان و بختیاری بقیه مناطق ایران را امن توصیف کرده که می‌توان در آن با خیال راحت مسافرت کرد. وی جاده‌های ایران را به مراتب امن‌تر از عثمانی و مانند بعضی از قسمت‌های اروپا و امریکا دانسته و اشاره کرده که غیر از دست‌بردهایی که گاه به بسته‌های پستی حاوی پول زده می‌شد، در طول اقامت وی در ایران اخباری از حمله راه‌زنان به کاروان و مسافران در راه‌ها نشنیده است. او تأکید می‌کند که در این زمان هیچ کشوری در مشرق‌زمین به اندازه ایران امنیت نداشته است. وی با رد برخی گزارش‌های نادرست درباره ناامنی‌های ایران، وجود امنیت در این کشور را دلیل بر قدرت دولت و تسلط کامل آن بر مملکت دانسته است (بنجامین، ۱۳۹۴: ۲۲۱-۲۲۳).

سیاحی روسی نیز در آغاز سلطنت محمدشاه قاجار از وجود امنیت شبانه در شهرهای ایران صحبت کرده و نوشته است که در ایران کسی را به هنگام شب در خیابان لخت نمی‌کنند و بنابراین احتیاط از دزدان لزومی نداشت. در میان جمعیت انبوه هم لوازم درون جیب عابران دست‌نخورده باقی می‌ماند (کورف، ۱۳۷۲: ۲۰۷). به رغم چنین اظهار نظرهای خوش‌بینانه، اما این امنیت در همه ایام و در همه مسیرها این گونه برقرار نبود. شاید از خوش‌شانسی پولاک، بنجامین، و کورف بودند که دچار حادثه سوئی نشده‌اند و تصور خویش را به سراسر کشور تعمیم داده‌اند. حتی اقدامات بایسته میرزا تقی خان، که بروگش به‌درستی آن را توصیف کرده است، با مرگ امیر تداوم پیدا نکرد.

۴. نتیجه‌گیری

در دوره قاجاریه گستردگی سرزمینی، پراکندگی ایالات، و وجود راه‌های ارتباطی گوناگون در کشور مقوله امنیت را مهم می‌کرد و طبیعتاً زمینه‌ها و عوامل ناامنی و آشفتگی نیز بسیار بود. یکی از مسئولیت‌های نظام سیاسی و ارکان دولت در رأس ایالات برقراری امنیت این قلمرو گسترده بود که به دلایلی از جمله ضعف ساختار تشکیلات حکومتی، ستم‌گری حکام، زراندوزی و میل به کسب ثروت در میان رجال حکومتی چندان شکل

مطلوبی به خود نمی‌یافت. افزون بر این، در این دوره امنیت شهرها هر از گاه به دلایلی چون شورش‌ها، راهزنی و غارت‌گری، تهاجمات ایلی، قدرت‌طلبی برخی حکام، مدعیان و شاهزادگان قاجاری در ایالات و یا مرکز، زورگویی و اجحافات نظامیان آشفته می‌شد. در برابر این ناامنی‌های اجتماعی، اقدامات قاجارها مبتنی بر تدابیر ریشه‌ای و اساسی برای برقراری امنیت پایدار و فراگیر و رفع زمینه‌ها، عوامل و بسترهای تقویت‌کننده ناامنی نبود، بلکه اقدامات سطحی و مقطعی در قالب لشکرکشی‌های نظامی برای سرکوب شورش‌ها، مجازات خشونت‌بار راهزنان و دزدان و حبس محکومین و تکیه بر نیروهای امنیتی سنتی و ناکارآمد بود.

نبود نظام عدلیه کارآمد و قوانین حقوقی بازدارنده جرایم، فساد رجال و کارگزاران دولت، فشارها و تحمیلات گوناگون بر مردم و نادیده انگاشتن حقوق شهروندی در نظام استبدادی مبتنی بر قدرت مطلقه فردی همراه با مداخلات دولت‌های بیگانه در امور داخلی کشور از موانع پایداری امنیت اجتماعی در این دوره بود. بنابراین قاجارها بدون تغییر ساختار حاکمیتی، برقراری عدالت اجتماعی در جامعه، بهبودی سطح معیشت و رفاه عمومی مردم، و نهادینه کردن امنیت در تاروپود جامعه به اقدامات بازدارندگی خشن برای تثبیت و دوام قدرت سیاسی خود رو می‌آوردند که نمی‌توانست رضایت عمومی را از حاکمیت برآورده سازد. در نتیجه تنش‌های اجتماعی و کانون‌های بحران در گوشه و کنار کشور به طور فزاینده رخ می‌نمود و نظام قاجاری از عهده حل اساسی آن برنمی‌آمد.

پی‌نوشت‌ها

۱. ← دوروششوار، ۱۳۷۸: ۶۷؛ سرنا، ۱۳۶۳: ۱۳۳-۱۳۵؛ ملکم، ۱۳۸۳: ۶۳۱-۶۳۲؛ دروویل، ۱۳۸۹: ۱۹۲-۱۹۴؛ لایارد، ۱۳۷۶: ۶۱-۶۳؛ کرزن، ۱۳۷۳: ۱/ ۵۹۳؛ پولاک، ۱۳۶۸: ۳۱۶، ۳۲۳؛ فلاندن، ۲۵۳۶: ۲۲؛ بنجامین، ۱۳۹۴: ۱۸۱؛ د آلمانی، ۱۳۳۵: ۳۴-۳۸.
۲. درباره مجازات‌های عرفی این دوره پژوهشی تفصیلی انجام شده که می‌توان به آن مراجعه کرد (← ثواقب، ۱۳۹۴: ۲۳-۴۵).
۲. برای آگاهی از اسامی صاحب‌منصبان اداره نظمی و پلیس تهران ← اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۳۷۶-۳۷۷.

منابع

آدمیت، فریدون (۱۳۶۲). *امیرکبیر و ایران*. تهران: خوارزمی.

- احمدزاده، محمدمیر (۱۳۹۳). «بسترهای تحدید و توسعه امنیت اجتماعی در ایران عصر قاجاریه (با تأکید بر آسیب‌شناسی نهادهای امنیت‌ساز)»، *مطالعات تاریخ انتظامی*، س ۱، ش ۱.
- اصفهان‌ی، محمدحسن بن محمدرحیم لنجانی (۱۳۹۱). *جبه‌ال‌اخبار (بخش تاریخ زندیه و قاجار)*، به انضمام نسخه‌ال‌اخبار، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: کتاب‌خانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان (۱۳۶۳). *المآثر و الآثار*، به کوشش ایرج افشار، ج ۱، تهران: اساطیر.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان (۱۳۶۷). *تاریخ منتظم ناصری*، تصحیح محمداسماعیل رضوانی، ج ۳، تهران: دنیای کتاب.
- امین‌الدوله، میرزا علی‌خان (۱۳۷۰). *خاطرات سیاسی امین‌الدوله*، به کوشش حافظ فرمانفرمایان، تهران: امیرکبیر.
- اوبن، اوژن (۱۳۶۲). *ایران امروز ۱۹۰۷-۱۹۰۶ سفرنامه و بررسی‌های سفیر فرانسه در ایران*، ترجمه و توضیحات علی‌اصغر سعیدی، بی‌جا: زوار.
- اولیویه (۱۳۷۱). *سفرنامه اولیویه*، ترجمه محمدطاهر میرزا، تصحیح و حواشی غلامرضا ورهرام، تهران: اطلاعات.
- بروگش، هینریش (۱۳۸۹). *سفری به دربار سلطان صاحبقران ۱۸۶۱-۱۸۵۹*، ترجمه محمدحسین کردبچه، تهران: اطلاعات.
- بل، گرترو (۱۳۶۳). *تصویرهایی از ایران*، ترجمه بزرگمهر ریاحی، تهران: خوارزمی.
- بن‌تان، آگوست (۱۳۵۴). *سفرنامه آگوست بن‌تان*، ترجمه منصوره نظام مافی اتحادیه، تهران: چاپ‌خانه سپهر.
- بنجامین، ساموئل گرین ویلر (۱۳۹۴). *ایران و ایرانیان در عصر ناصرالدین شاه*، ترجمه محمدحسین کردبچه، تهران: اطلاعات.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸). *سفرنامه پولاک «ایران و ایرانیان»*، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران: خوارزمی.
- ثواقب، جهانبخش (۱۳۹۴). «مجازات‌های عرفی مجرمان در عصر قاجاریه (از آغاز تا مشروطه ۱۲۰۹-۱۳۲۴ق)»، *جستارهای تاریخی*، س ۶، ش ۱.
- ثواقب، جهانبخش (۱۳۹۴-۱۳۹۳). «علل ناپایداری امنیتی دوره قاجاریه»، *تاریخ ایران*، ش ۱۷ (۷۵/۵).
- د آلمانی، هانری رنه (۱۳۳۵). *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*، ترجمه و نگارش فره‌وشی (مترجم همایون)، تهران: کتاب‌فروشی ابن‌سینا و مطبوعاتی امیرکبیر.
- دروویل، گاسپار (۱۳۸۹). *سفرنامه دروویل*، ترجمه جواد محبی، قم: نیلوفرانه.
- دنبلی، عبدالرزاق (۱۳۸۳). *مآثر سلطانیه*، به کوشش فیروز منصوری، تهران: اطلاعات.
- دوبد، کلمنت اوگاستس (۱۳۸۸). *سفرنامه لرستان و خوزستان*، ترجمه محمدحسین آریا، تهران: علمی و فرهنگی.
- دوروششوار، ژولین (۱۳۷۸). *خاطرات سفر ایران*، ترجمه مهران توکلی، تهران: نشر نی.
- رجایی، عبدالمهدی (۱۳۹۳). «موانع اجتماعی - فرهنگی تشکیل شرکت و تأسیس کارخانه در ایران عصر قاجار»، *تحقیقات تاریخ اجتماعی*، س ۴، ش ۲.

- ساروی، محمد فتح‌الله بن محمدتقی (۱۳۷۱). *تاریخ محمادی «احسن‌التواریخ»*، به اهتمام غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: امیرکبیر.
- سایکس، سر پرسی (۱۳۶۳). *سفرنامه ژنرال سر پرسی سایکس (ده هزار میل در ایران)*، ترجمه حسین سعادت نوری، [تهران]: لوحه.
- سیرنا، کارلا (۱۳۶۳). *مردم و دیدنی‌های ایران*، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران: نشر نو.
- سفرنامه حمزه میرزا: شرح لشکرکشی ۱۲۷۶ ق.* به مرو از زبان یک شاهد عینی (۱۳۸۷). تصحیح محسن رحمتی، تهران: نشر تاریخ.
- سیفی فمی تفرشی، مرتضی (۱۳۶۲). *نظم و نظمیه در دوره قاجاریه*، تهران: یساولی (فرهنگ‌سرا).
- شیرازی (خاوری)، فضل‌الله (۱۳۸۰). *تاریخ ذوالقرنین*، تصحیح و تحقیق ناصر افشارفر، ج ۱ و ۲، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- شیرازی، عبدالوهاب بن علی اشرف (۱۳۹۱). *نخبه‌الاخبار (بخش تاریخ زندیه و قاجار)*، ضمیمه جبه‌الخبار، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- شیل، لیدی مری (۱۳۶۸). *خاطرات لیدی شیل*، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: نشر نو.
- شیندلر، هوتم (۱۳۴۷). «سفرنامه خراسان (شاه‌رود)»، در *سه سفرنامه هرات، مرو، مشهد*، به اهتمام قدرت‌الله روشنی زعفرانلو، تهران: دانشگاه تهران.
- فلاندن، اوژن (۲۵۳۶). *سفرنامه اوژن فلاندن به ایران*، ترجمه حسین نورصادقی، تهران: اشراقی.
- فلور، ویلم (۱۳۶۶). *جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار*، ترجمه ابوالقاسم سری، ج ۱، تهران: توس.
- فووریه، ژوانس (۱۳۸۹). *سه سال در دربار ایران: خاطرات دکتر فووریه پزشک ویژه ناصرالدین شاه قاجار*، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، به کوشش همایون شهیدی، تهران: دنیای کتاب.
- کورف، بارون فیودور (۱۳۷۲). *سفرنامه بارون فیودور کورف (۱۸۳۴-۱۸۳۵)*، ترجمه اسکندر ذبیحیان، تهران: فکر روز.
- کاساکوفسکی، و. ا. (۱۳۵۵). *خاطرات کنل کاساکوفسکی*، ترجمه عباسقلی جلی، تهران: کتاب‌های سیمرخ (انتشارات امیرکبیر).
- کرزن، جرج ناتانیل (۱۳۷۳). *ایران و قضیه ایران*، ج ۱، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: علمی و فرهنگی.
- گاردان، کنت آلفرد دو (۱۳۶۲). *خاطرات مأموریت ژنرال گاردان در ایران*، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، به کوشش همایون شهیدی، تهران: گزارش فرهنگ و تاریخ ایران.
- گزارش ایران به سال ۱۳۰۵ ق. از یک سیاح روسی (۱۳۶۳). ترجمه سید عبدالله، به اهتمام محمدرضا نصیری، تهران: طهوری.
- لایارد، اوستن هنری (۱۳۷۶). *سفرنامه لایارد یا ماجراهای اولیه در ایران ۱۸۴۲-۱۸۴۰*، ترجمه مهتاب امیری، تهران: آنزان.

- لشکرنویس، سیدمحمد (۱۳۴۷). «سفرنامه مرو»، در سه سفرنامه هرات، مرو، مشهد، به اهتمام قدرت‌الله روشنی زعفرانلو، تهران: دانشگاه تهران.
- لمبتون، آن.ک.س. (۱۳۶۳). سیری در تاریخ ایران بعد از اسلام، ترجمه یعقوب آژند، تهران: امیرکبیر.
- لیتن، ویلهلم (۱۳۶۷). ایران از نفوذ مسالمت‌آمیز تا تحت‌الحماگی (۱۹۱۹-۱۸۶۰)، ترجمه مریم میراحمدی، تهران: معین.
- مارکام، کلمنت (۱۳۶۴). تاریخ ایران در دوره قاجار، ترجمه میرزا رحیم فرزانه و به کوشش ایرج افشار، تهران: فرهنگ ایران.
- محبوبی اردکانی، حسین (۲۵۳۷). تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، ج ۲، تهران: دانشگاه تهران.
- محمود میرزا قاجار (۱۳۸۹). تاریخ صاحبقرانی: حوادث تاریخی سلسله قاجار (۱۱۹۰-۱۲۴۸ق)، تصحیح نادره جلالی، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- معین، محمد (۱۳۷۱). فرهنگ فارسی، ج ۲، ۳ و ۴، تهران: امیرکبیر.
- ملکم، سیر جان (۱۳۸۳). تاریخ ایران، ترجمه میرزا اسماعیل حیرت، تهران: سنایی.
- موریه، جیمز جاستی (۱۳۸۶). سفرنامه جیمز موریه، سفر یکم از راه ایران، ارمنستان و آسیای کوچک به قسطنطنیه، ۱۸۰۹-۱۸۰۸ م، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس.
- نجم‌الدوله، عبدالغفار بن علی محمد (۱۳۸۶). آثار نجم‌الدوله، سفرنامه دوم نجم‌الدوله به خوزستان، تصحیح احمد کتابی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- هدایت (مخبرالسلطنه)، مهدی‌قلی (۱۳۶۳). گزارش ایران، به اهتمام محمدعلی صوتی، تهران: نقره.
- همبلی، گاوین (۱۳۸۷). «شهر سنتی ایران در دوره قاجاریه»، تاریخ ایران دوره افشار، زند و قاجاریه، مجموعه تاریخ کمبریج، زیر نظر پیتر آوری، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: جامی.
- یوسفی‌فر، شهرام و حسن شکرزاده (۱۳۹۳). «منصب داروغه در دوره قاجاریه»، پژوهش‌های تاریخی، دانشگاه اصفهان، دوره ششم، ش ۱.